

سخن امام خمینی در تفصیل بین شرط شرعی و غیر آن:

حضرت امام با اشاره به استدلال می نویسند:

«فقد استدلل علی الوجوب فیه: بأنّه لو لا وجوبه شرعا لما كان شرطا، حیث إنّّه لیس ممّا لا بدّ منه عقلا أو عادة. ففیه: أنّه إن أريد ممّا ذکر توقف الشرطیّة ثبوتا علی الأمر الغیری، فهو دور واضح. و إن أريد أنّه لو لا وجوبه لم یکن فی مقام الإثبات دلیل علیها، فالعلم بالشرطیّة یتوقف علی الوجوب الغیری.

ففیه: أنّ الوجوب التبعیّ الغیریّ- بما هو محلّ البحث فی المقام- لا یمكن أن یكون کاشفا عن الشرطیّة، لأنّ الملازمة الواقعیّة بین الإرادتين بنحو الكبرى الکلیّة لا یمكن أن تكون کاشفة عن الصغری، و کذا بین البعث إلی ذی المقدّمة و البعث التبعیّ إلی مقدمته، فلا بدّ للكشف عن الشرطیّة من دلیل: إمّا بعث نفسی إلی ذی المقدّمة مقیدا بالشرط، کقوله:

«صل متطهرا»، أو بعث إرشادی إلی المقدّمة، کقوله: إِذَا قُمْتُمْ إلی الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ ... إلخ، و بعد هذا الكشف تكون المقدّمة عقلیّة لا شرعیّة.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اگر مراد آن است که ثبوتاً شرطیت با امر غیرى حاصل می شود، دور لازم می آید [شرطیت متوقف بر امر غیرى، امر غیرى متوقف بر شرطیت]

۲. و اگر مراد آن است که ثبوتاً این شی شرط هست، ولی در مقام اثبات، علم ما به شرطیت متوقف بر وجوب غیرى است

۳. این هم باطل است چراکه:

۴. امر غیرى نمی تواند کاشف شرطیت باشد، چراکه:

۵. اینکه ما می دانیم «اگر ذی المقدمه واجب بود، مقدمه شرعی اش واجب است» یا می دانیم «اگر بعث به ذی المقدمه شد، به مقدمه شرعی هم بعث شده است» معلوم نمی کند که چه چیزی مقدمه شرعی

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۴۱۴.



است (یعنی معلوم نمی کند که مثلاً وضو شرط شرعی است)

۶. پس برای اینکه در مقام اثبات، بفهمیم که چیزی شرط شرعی است، شارع یا باید در ضمن امر نفسی

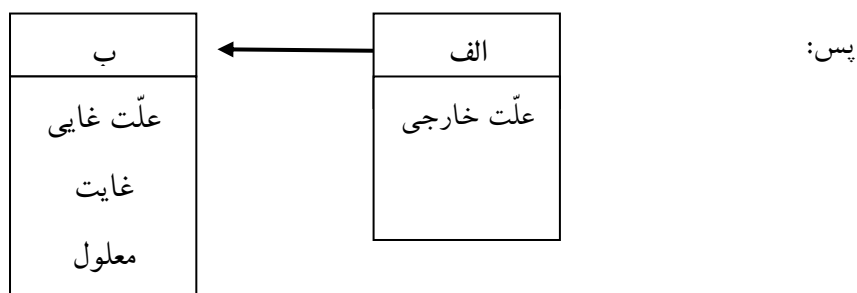
به آن اشاره کند و یا به «نفس آن شرط شرعی» به نحو امر ارشادی اشاره نماید.

۷. و بعد از اینکه شرط معلوم شد، دیگر عقل آن را واجب می داند.

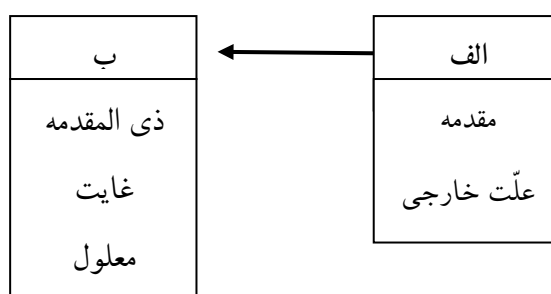


## خاتمه:

ما در بحث مقدمه موصله گفتیم که اگر چیزی به خاطر علّتی غایی واجب شده باشد، آن چیز در حالی که علّت تامّه تحقق آن علّت غایی است، واجب می شود و لذا آن چیز بدون تحقق آن علّت غایی محقق شود مصداق واجب نیست.



اگر «الف» واجب شد، در صورتی که علّت تامّه تحقق «ب» باشد، واجب است. حال: آنچه گفتیم با اینکه گفتیم «مقدمه واجب» مطلقاً واجب نیست، منافات ندارد، چراکه در این بحث سخن در جایی است که:



شارع «ب» را واجب کرده است، و ما می گوئیم اگر ب واجب شد، دلیل نمی شود که بگوئیم «الف» واجب است.



## تتمه: مقدمه حرام، مستحب و مکروه

قبل از طرح بحث لازم است اشاره کنیم که چنانکه مرحوم فاضل اشاره کرده اند، در مورد مقدمه حرام پنج احتمال وجود دارد.

۱. حرمت همه مقدمات حرام.
۲. عدم حرمت در هیچ یک از مقدمات حرام.
۳. حرمت مقدمه ای که علت تامه تحقق حرام است و عدم حرمت سایر مقدمات.
۴. حرمت مقدمه ای که به انجام حرام منتهی می شود (همانند مقدمه موصله)  
(پس اگر مقدمه ای انجام شد، باید منتظر بود که آیا بعدها حرام بر آن مترتب می شود یا نه)
۵. حرمت مقدمه ای که با قصد توصل به حرام انجام می شود.

مرحوم آخوند در پایان بحث، درباره مقدمه امور مستحب، حرام و مکروه سخن می گوید، ایشان می نویسند:

«لا شبهة فی أن مقدمة المستحب كمقدمة الواجب فتكون مستحبة لو قيل بالمالازمة و أما مقدمة الحرام و المكروه فلا تكاد تتصف بالحرمة أو الكراهة إذ منها ما يتمكن معه من ترك الحرام أو المكروه اختيارا كما كان متمكنا قبله فلا دخل له أصلا في حصول ما هو المطلوب من ترك الحرام أو المكروه فلم يترشح من طلبه طلب ترك مقدمتهما نعم ما لا يتمكن معه من الترك المطلوب لا محالة يكون مطلوب الترك و يترشح من طلب تركهما طلب ترك خصوص هذه المقدمة فلو لم يكن للحرام مقدمة لا يبقى معها اختيار تركه لما اتصف بالحرمة مقدمة من مقدماته.

لا يقال كيف و لا يكاد يكون فعل إلا عن مقدمة لا محالة معها يوجد ضرورة أن الشيء ما لم يجب لم يوجد.

فإنه يقال نعم لا محالة يكون من جملتها ما يجب معه صدور الحرام لكنه لا يلزم أن يكون ذلك من المقدمات الاختيارية بل من المقدمات الغير الاختيارية كمبادئ الاختيار التي لا تكون بالاختيار و إلا



لتسلسل فلا تغفل و تأمل.»<sup>۱</sup>



---

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۲۸